

هو الله - ای اهل عالم طلوع شمس حقیقت محض...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (35) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد
3، صفحه 118

(35)

نامه در خصوص تعالیم حضرت بهاءالله چندی پیش در زمان حرب مرقوم گردید مناسب دانست که ضم باین
نامه گردد

هو الله

ای اهل عالم طلوع شمس حقیقت محض نورانیت عالم است و ظهور رحمانیت در انجمن بنی آدم نتیجه و ثمر
مشکور و سنوحات مقدسه هر فیض موفور رحمت صرف است و موهبت بخت و نورانیت جهان و جهانیان
ائتلاف و التیام است و محبت و ارتباط بلکه رحمانیت و یگانگی و ازاله بیگانگی و وحدت با جمیع من علی
الارض در نهایت آزادگی و فرزانیگی جمال مبارک میفرماید همه باریکدارید و برگ یکشاخسار عالم وجود را
بیک شجر و جمیع نفوس بمنزله اوراق و ازهار و اثمار تشبیه فرمودند لهذا باید جمیع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر
در نهایت طراوت باشند و حصول این لطافت و حلاوت منوط بارتباط و الفت است پس باید یکدیگر را در
نهایت قوت نگهداری نمایند و حیات جاودانی طلبند پس احبای الهی باید در عالم وجود رحمت رب ودود



ORIGINAL

گردند و موهبت ملیک غیب و شهود نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر ایجاد مشاهده کنند همیشه باین فکر باشند که خیری بنفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی بنفسی نمایند دشمنی نبینند و بدخواهی نشمرند جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و پیگانه را آشنا شمردند و بقیدی مقید نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند الیوم مقرب درگاه کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعدا را در عطا مبذول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار ودود اینست وصایای جمال مبارک اینست نصایح اسم اعظم ای یاران عزیز جهان در جنگ و جدالست و نوع انسان در نهایت خصومت و وبال ظلمت جفا احاطه نموده و نورانیت وفا پنهان گشته جمیع ملل و اقوام عالم چنگ تیز نموده و با یکدیگر جنگ و ستیز مینمایند بنیان بشر است که زیر و زبر است هزاران خانمانست که بیسر و سامانست در هر سالی هزاران هزار نفوس در میدان حرب و جدال آغشته بخاک و خونست و خیمه سعادت و حیات منکوس و سرنگون سروران سرداری نمایند و بخونریزی افتخار کنند و بفتنه انگیزی مباحث نمایند یکی گوید که من شمشیر بر رقاب امتی آختم و دیگری گوید مملکتی با خاک یکسان ساختم و یکی گوید من بنیاد دولتی برانداختم اینست مدار نخر و مباحث بین نوع بشر در جمیع جهات دوستی و راستی مذموم و آشتی و حق پرستی مقذوح منادی صلح و صلاح و محبت و سلام آیین جمال مبارکست که در قطب امکان خیمه زده و اقوام را دعوت مینماید پس ای یاران الهی قدر این آئین نازنین بدانید و بموجب آن حرکت و سلوک فرمائید و سبیل مستقیم و منبج قویم پیمائید و بخلاق بنمائید آهنگ ملکوت بلند کنید و تعالیم و وصایای رب ودود منتشر نمائید تا جهان جهان دیگر شود و عالم ظلمانی منور گردد و جسد مرده خلق حیات تازه جوید هر نفسی بنفسی رحمانی حیات ابدیه طلبد این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی شود خلق را بخدا بخوانید و نفوس را بروش و سلوک ملاً اعلی دعوت کنید یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگانرا ملجأ و پناه شوید فقیرانرا کنز غنا گردید و مریضانرا درمان و شفا معین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم در فکر آن باشید که خدمت بهر نفسی از نوع بشر نمائید و باعراض و انکار و استکبار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معامله نمائید و بحقیقت مهربان باشید نه بظاهر و صورت هر نفسی از احبای الهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار بهر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور هدایت تابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید ای احبای الهی همتی بنمائید که این ظلمت بکلی زائل گردد تا سر پنهان آشکار شود و حقائق اشیاء مشهود و عیان گردد (ع ع)